

کارگران در تدارک برگزاری روز جهانی کارگر

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران



روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان

عبدال گلپریان



چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر از سوی فعالین کارگری و جمعی از فعالین عرصه‌های مختلف و مردم سنندج در "گویزه کویر" برگزار شد. همچنین شماری از فعالین و تشکلهای کارگری و فعالین دیگر تشکلهای مناسب روز جهانی کارگر مراسمهای متنوعی را برگزار کردند. در سنندج، مریوان، کامیاران، علیرغم ممنوعیت روز کارگر از سوی حاکمان اسلامی ضد کارگر اما هر سال فعالین کارگری همراه با خانواده‌ها و تشکلهای زنان، فعالین تشکلهای دفاع از محیط زیست و بخشهایی از مردم روز جهانی کارگر را گرمی میدارند. در این مراسمها علاوه بر شادی و سرور و پخش شیرینی، قرائت بیانیه و قطعنامه‌ها و خواستههای کارگران و مردم زیر خط فقر بعنوان کیفرخواست کل جامعه فریاد زده شده و برافراشته میشوند.

صفحه ۲

بمناسبت روز جهانی کارگر

پیام آذر

صفحه ۳

از اعتصاب رانندگان تاکسی شهرستان خوی حمایت کنیم!

کمیته آذربایجان حزب

صفحه ۳

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطفی

صفحه ۴

درباره وقایع اخیر کومله از حزب کمونیست ایران

صفحه ۵

مصاحبه مهنوش موسوی با محمد آسنگران

تهدید و دخالت در زندگی خصوصی زنان و تمامی شهروندان ممنوع!

صفحه ۸

عبدال گلپریان

اطلاعیه های حزب

*دستگیر شدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند! با تمام قوا به استقبال اول مه برویم!
*کارگران با اعتراضاتشان به استقبال روز جهانی کارگر میروند
*اول مه: فراخوان ۱۱ شکل کارگری و دانشجویان به تجمع کارگران با قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و فراخوانهایشان
به استقبال روز جهانی کارگر میروند

صفحه ۹

قطعنامه کارگران سندیکای نقاشان البرز به مناسبت روز جهانی کارگر

قطعنامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر ۹۸

بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه -
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه -
گروه اتحاد بازنشستگان -

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

بیانیه مشترک ۴ تشکل مستقل کارگری به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران در تدارک برگزاری روز جهانی کارگر

از صفحه ۱

روز جهانی کارگر در ...

نمی‌تواند خللی در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در آنان ایجاد کند. به هر اندازه حکومت، دستگاه اطلاعات و حامیان سود، چپاول و دزدی از هستی کارگران و کل جامعه فعالین سرشناس کارگری را در آستانه روز جهانی کارگر تحت فشار و بازداشت قرار می‌دهند، فراتر از آن فعالین و تشکلهای کارگری، خانواده هایشان و دیگر جنبشهای اعتراضی رادیکال، از فعالین جنبش زنان و محیط زیست گرفته تا معلمان و دانشجویان و کل جامعه معترض به مافیای فاسد اسلامی همه و همه به بهترین وجه به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند.

تا همینجا برگزاری تجمعات اعتراضی در مقابل مجلس اوباشان اسلامی و در مقابل دیگر نهادهای مفتخور اسلامی نشان داده است که برای کارگران، معلمان، بازنشستگان، جنبش دفاع از محیط زیست و دانشجویان، تا تحقق تمامی مطالبات شان هر روز روز کارگر خواهد بود.

به این اعتبار برنامه ها و مراسمهای متعدد روز جهانی کارگر و تجمعات اعتراضی در هر نقطه ای همانند پتکی بر پیکر حکومت در حال سقوط اسلامی فرود می آید.

در سرلوحه مطالبات عدیده کارگری و مردم زیر خط فقر، خواست بی چون و چرای افزایش دستمزدها، برچسب زدن زندگی و معیشت زیر خط فقر و دستمزد بالای هفت میلیون و آزادی بدون قید و شرط فعالین کارگری زندانی و همه زندانیان سیاسی قرار دارد.

اگر حکومت اسلامی ضد کارگر و ضد انسان تلاش میکنند روز جهانی کارگر را از سر بگذرانند، این را هم بخوبی میدانند که جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی در ایران بعد از روز جهانی کارگر متحدر و قدرتمند تر از سالهای گذشته در مصاف با غارتگران و مافیای اسلامی برای تحقق خواستههای خود برای یک زندگی انسانی در میادین، مراکز تولیدی و خیابانها حضور خواهند داشت.

۱۰ اردیبهشت ۹۸

۳۰ آوریل ۲۰۱۹

امسال نیز ماموران باندها و مافیای حکومت اسلامی با سردرگمی تمام همچون سالهای گذشته اقدام به احضار، بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری کردند. علیرغم این مانورهای سوخته اما هیچگاه قادر به ایجاد ممانعت جدی در مقابل تجمعات کارگران بمناسبت روز جهانی کارگر نبوده اند. احضار اعضای انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران به اطلاعات این شهر یکی از این اقدامات بوده است. بنابر اخبار منتشر شده طی روزهای گذشته اطلاعات این شهر چند نفر از اعضای انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران را احضار و آنان را تهدید کرده اند که، "تنباید بهیچ عنوان برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در شهر اقدامی انجام دهند و یا در مراسم روز جهانی کارگر شرکت کنند. اگر خلاف آن صورت بگیرد به شدت با آنها برخورد می‌کنند."

از سوی دیگر احضار و تذکر به فعالین کارگری در سنجند و میروان یکی دیگر از سلسله تالشهای سوخته حکومت مافیای اسلامی ضد کارگر است. در تهران فعالان کارگری بازداشت شده به نام های پروین محمدی، علیرضا ثقفی و هاله صفرزاده نیز علیرغم صدور قرار کفالت کماکان در بازداشت به سر می‌برند. کاربدستان حکومتی اعلام کرده اند که "تا روز چهارشنبه یعنی سپری شدن روز جهانی کارگر باید منتظر باشند."

این اقدامات بی شمر که حکومت اسلامی را بوخست انداخته است در حالی صورت می‌گیرد که تنی چند از فعالین محبوب و سرشناس کارگری، اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده و سپیده قلیان طی ماههای گذشته به زندان انداخته شده و علیرغم اتمام دوران بازداشت آنان اما همچنان در زندان بسر می‌برند.

تمامی این تلاشها نشاندهنده وحشت و هراس حکام اسلامی از اعتراضات و اعتصابات کارگری است. فعالین و تشکلهای کارگری مستقل از دولت طی سالیان متمادی نشان داده اند که بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری

سرمایه داری و حاکمین چپاولگر و سرکوبگر است. اول ماه مه فرصت مناسبی برای همه کارگران و مردم ایران برای اعلام کيفرخواستشان علیه مصائبی است که حاکمین سرمایه بر آنها تحمیل کرده اند. مراسم اول ماه مه در تهران در مقابل مجلس اسلامی برپا میشود و حزب کمونیست کارگری همه کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و همه مردم را به پیوستن به این مراسم فرامیخواند. در شهرستانها نیز حزب کارگران را به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در میادین اصلی شهر و در کارخانه ها فرامیخواند. بنسبهای گرامیداشت روز جهانی کارگر را باید در همه جا برافراشت. همچنین در تجمعات اعتراضی به مناسبت روز جهانی کارگر و در همه جا در اعتراض به دستگیری کارگران و برای دفاع از حق برگزاری روز جهانی کارگر عکس کارگران بازداشت شده روز ششم اردیبهشت پروین محمدی، واله زمانی، هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی و نیز کارگران زندانی اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده و همچنین سپیده قلیان (که به جرم همراه شدن با کارگران نیشکر هفت تپه در زندان است) و معلمان زندانی را باید بدست گرفت و بر در و دیوار نصب کرد. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

زنده باد اول ماه،

روز جهانی کارگر

ناپود باد

حاکمیت سرمایه داران

مفتخور

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ آوریل ۲۰۱۹

۵ اردیبهشت ۱۳۹۸

لازم به یاد آوریدست که روز ششم اردیبهشت جمعی از فعالین کارگری با تجمع در پارک جهان نما به استقبال روز جهانی کارگر رفتند. این تجمع مورد یورش نیروهای سرکوب حکومت قرار گرفت. تعدادی حدود دوازده نفر بازداشت شدند که تا عصر روز گذشته تعدادی آزاد و ۴ نفر از آنان به اسامی پروین محمدی (نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران)، واله زمانی (عضو سندیکای نقاشان البرز) و علیرضا ثقفی و هاله صفرزاده (اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر) همچنان در بازداشت بسر می‌برند. همچنین طی این مدت تعدادی از فعالین کارگری در شهرهای سنجند، کامیاران، ارومیه و میروان احضار شده و با تهدید به دستگیری از برگزاری روز جهانی کارگری منع شده اند.

کارگران برگزاری روز جهانی کارگر را حق مسلم خود دانسته و به استقبال آن می‌روند و خواست آزادی بازداشت شدگان روز ششم اردیبهشت و کارگران زندانی اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده، و همچنین اسماعیل عبیدی و محمد حبیبی و همه معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی خواست اول ماه مه امسال است.

گفتنی است که قبلاً نیز تشکلهای سندیکای شرکت واحد، کمیته پیگیری برای این تشکلهای کارگری، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران و دانشجویان دانشگاهها به این مناسبت به تجمع در همین محل فراخوان داده بودند. در چنین جدالی است که کارگران به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند.

روز جهانی کارگر یک روز اعتراض سراسری کارگران علیه



اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، اتحادیه نیروی کار پروژه ای، بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی، بازنشستگان فلزکار- مکانیک، جمعی از کارگران صنف فلز کارو مکانیک طی بیانیه مشترکی در هفتم اردیبهشت به برگزاری اول ماه مه روز جهانی کارگر به تجمع در مقابل مجلس اسلامی فراخوان داده اند. این تجمع در ساعت ده صبح روز یازده اردیبهشت برگزار خواهد شد. در بخشی از این بیانیه با توجه به دستگیری های روز گذشته در پارک جهان نما و احضار های اخیر بخاطر جلوگیری از گرامیداشت روز جهانی کارگر چنین آمده است:

"ما پیشاپیش اعمال هر گونه محدودیتی در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را قویاً محکوم میکنیم و با فراخوان به کارگران (شاغل، بیکار و بازنشسته) در سراسر کشور برای برگزاری هر چه شوکه‌مندانه تر مراسم این روز، دست در دست هم و متحدانه راس ساعت ده صبح روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در مقابل مجلس شورای اسلامی" گرد هم می‌ایم و بطور یکپارچه ای خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت و گرانی، و در کل شرایط مصیبت باری می شویم که به ما کارگران و همه مزدبگیران زحمتکش تحمیل شده است."



۱۱ اردیبهشت ۹۸ کارگران ساختمانی میروان

از اعتصاب رانندگان تاکسی شهرستان خوی حمایت کنیم!

بمناسبت روز جهانی کارگر



فصل از هر چیزی فرا رسیدن روز جهانی کارگر اول ماه مه را به همه کارگران جهان تبریک میگویم و بویژه به کارگران ایران.

روز جهانی کارگر بازتاب حضور سیاسی طبقه کارگر است که با حضورش، همه کارگران و کل جامعه زیر ستم و استثمار را به اتحاد علیه نظام سرمایه داری فرا میخواند.

در ایران این روز آنجا اهمیت دارد که در چهل سال حاکمیت اسلامی، طبقه کارگر به بدترین شکل ممکن مورد ستم و استثمار سیستم مافیای سود و چپاول حکومت اسلامی واقع شده است. این نظام اسلامی که جامعه ای هشتاد میلیونی را به زیر خط فقر کشانیده و بعنوان حامی دزدان، و چپاولگران با اختلاس های میلیاردی شرایطی ایجاد کرده است که به راحتی دستمزدهای چندین ماه پرداخت نشده و ایجاد تورم و گرانی و تحمیل یک زندگی با ایجاد شرایط ریاضت اقتصادی را به طبقه کارگر و کل جامعه تحمیل کرده است. یک نظام مافیایی که با هر اعتراض کارگری فعالین کارگری را به زندان انداخته و با صدور احکام قرون وسطایی حکم

پیام آذر

شلاق و اجرای آن در ملع عام تهدید به سکوت میکند.

در مقابل اما طبقه کارگر ساکت نمانده و با وجود فشارهای اقتصادی، امنیتی و اجتماعی بقدمت ظهور این حکومت لحظه ای سر فرود نیاورده است و اعتراضات گسترده تر از پیش را سازماندهی کرده و با اعتصابات و ایجاد تشکلهای مستقل از دولت همچنان ایستاده اند. از آن جمله سال ۹۷ را میتوان سال گسترش اعتراضات کارگری و کل جامعه نامید.

سالی که در ادامه اعتراضات دیماه ۹۶ باز اعتراض معلمان و دانشمندان همسو با اعتصابات کامیونداران گره خورد و همچنین از اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان یاد کرد. اما در این سال اتفاق مهمی رخ داد و آن عروج یکپارچه جنبش کارگری بود که در قالب اعتصابات نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و در چندین کارخانه دیگر چون هپکو بود که اینبار با آترناتیو اداره شورایی کارخانه و جامعه گامهای پیشرویی جنبش کارگری به اوج رسیده و جامعه در مقابل خود نیرویی را دید که از قدرت رهبری در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی برخوردار است.

دولت با توجه به این شرایط و با تعیین دستمزد سال ۹۸ که بر اساس برآورد ارگانهای دولتی

همچنان چندین برابر زیر خط فقر اعلام شده می خواهد به جنبش کارگری فشار بیشتری را تحمیل کند و این در حالی است که با جاری شدن سیل و خسارات بیش از حد وارده به مردم که بانی و مسبب آن حکومت اسلامی است، این رژیم در موقعیتی درمانده و مفلوک قرار گرفته است. در روز جهانی کارگر کارگران و کل جامعه میتوانند با طرح خواسته هایی فرا تر از دستمزدهای بالای خط فقر و طرح دهها مطالبه برحق، ایجاد شوراها سازماندهی برای پیشبرد متحدانه مبارزه و اداره شورایی را در همه جا فریاد بزنند.

وجه تعرضی و متحدانه روز جهانی کارگر با شعار اداره شورایی جامعه میتواند برجسته در دستور قرار داده شود.

در جریان اعتصابات هفت تپه و مطرح شدن اداره شورایی کارخانه و در عمل در جریان سیل ویرانگر و کمک های مردمی شعار ایجاد شوراها مردمی برای کمک رسانی، شکل عملی به خود گرفت و نشان داد که میشود با ایجاد تشکل شورا همبستگی و اتحادی محکم و گسترده فراهم کرد. با این تلاشها میتوان قدمهای محکمی برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی برای بدست گرفتن قدرت و ایجاد یک جامعه ای سوسیالیستی برداشت.



از اعتصاب رانندگان تاکسی شهرستان خوی حمایت کنیم!

بنا به اخبار درج شده در رسانه

روز دوشنبه ۹ اردیبهشت ماه، رانندگان تاکسی در شهرستان خوی در اعتراض به مشکلات معیشتی و اقتصادی دست به اعتصاب زدند. اغلب این رانندگان، باید هفت روز هفته و روزانه ۱۵ تا ۱۶ ساعت کار کنند تا بتوانند یک زندگی بخور و نمیر برای خود و خانواده شان تأمین کنند. اینها بخشی از طبقه کارگر و طبقه زحمتکش جامعه اند و لازم است که جامعه از اعتصاب و اعتراض برحق آنها حمایت کند.

عامل همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی که زندگی اکثریت عظیم جامعه، زندگی میلیونها انسان در ایران را مجاله کرده و به جهنم تبدیل کرده است، حکومت اسلامی سرمایه داران و آیت الله های دزد

برای گسترش اعتراضات و قدرتمند کردن مبارزه علیه جمهوری اسلامی، حمایت بخشهای مختلف جامعه از اعتراضات و اعتصابات همديگر لازم و ضروری است. ما از مردم شريف شهرستان خوی میخواهيم که از اعتراض رانندگان تاکسی و خواستهایشان، که خواست میلیونها انسان به شرایط مشقت بار زندگی میباشد، حمایت کنند.

۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، با صدای بلند اعلام کنیم:

زیر بار ستم نمیکنیم زندگی!

اعلام کنیم که این زندگی شایسته بشر نیست، که این حکومت و این نظام را به گور میسپاریم و جامعه ای بنا مینهیم که بر سر در آن نوشته است:

آزادی، برابری، عدالت و رفاه برای همه انسان ها

نه حقوقی های نجومی، نه فلاکت عمومی

برابری و رفاه همگانی

۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، با صدای بلند اعلام کنیم:



با صدای بلند اعلام کنیم که کلیه قوانین ضد زن اسلامی از جمله حجاب و پوشش اجباری و هر نوع جداسازی جنسیتی باید فوراً ملغی شود. اعلام کنیم که زن و مرد برابرند و هیچگونه تحقیر و تبعیض و نابرابری را قبول نخواهیم کرد.

زنده باد دختران خیابان انقلاب

زنده باد مبارزات شجاعانه زنان علیه حکومت تحجر اسلامی

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری برای تامین هزینه های ویژه ای که در این دوره با آنها مواجه است، به حداقل ۵۰ هزار یورو نیاز دارد. کلیه اعضا و دوستان حزب و همه کسانی را که قلبشان برای آزادی از شر حکومت اسلامی و نظام گنبدیده آن میبتهد فرا میخوانیم که به این فراخوان جواب مثبت بدهند و حزب را یاری دهند.

کمک های خود را میتوانید به یکی از شماره های زیر واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدهای حزب کمک خودتان را به حزب برسانید.

شماره حساب و آدرس های تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
M. Eli
Commerzbank
Kontonr.: 727634800
BLZ: 60040071
IBAN: DE84600400710727634800
BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:
England
Account nr.
۴۵۴۷۷۹۸۱

sort code:
۶۰-۲۴-۲۳
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
۴۷۷۹۸۱ IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۱۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

از ایران:
تماس با حزب کمونیست کارگری:
از طریق واتس آپ و ایمو: ۰۰۴۶۷۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

آدرس تماس در کانادا:
بابک یزدی ۰۰۱۶۱۶۶۷۱۷۱۳۸
babakyazdi2@gmail.com

مادر در آرزوهایش حضور دارند و علاقه خود به آنها را پنهان نمی کند اما می گوید هرگز حاضر نیست به آن خانه برگردد.

گزارشی از وضعیت نگهداری زنان معتاد در تهران



طی روزهای گذشته رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت مدعی شده است که حدود ۱۵ الی ۲۰ هزار معتاد در سطح شهر تهران وجود دارد. از میان این جمعیت، بیش از هزار نفر را زنان معتاد تشکیل می دهند. به گفته وی برای بازپروری این افراد باید مراکزی باشد که شرایط لازم برای نگهداری شان را داشته باشد، اما هنوز در سطح شهر تهران این ظرفیت ایجاد نشده است.

وکیل مدافع نرگس محمدی از نیاز فوری موکلش به عمل جراحی خبر داد

نرگس محمدی، نائب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر که اینک دوران محکومیت خود را در زندان اوین می گذراند، روز ۸ اردیبهشت جهت انجام پاره ای معاینات و آزمایش ها به بیمارستان مهر منتقل و سپس به زندان بازگردانده شد. وکیل مدافع این زندانی سیاسی از نیاز فوری موکلش به عمل جراحی برداشتن رحم بر اساس تشخیص پزشکان متخصص خبر داد و گفت که این پزشکان تشخیص خود را بصورت کتبی اعلام کرده اند.

یک عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی زابل به ضرب گلوله افراد مسلح کشته شد

فرشته نارویی استاد دانشگاه علوم پزشکی زابل شب پنجشنبه به دلایل نامعلومی توسط افراد ناشناس به رگبار گلوله بسته شده و جان خود را از دست داد. *

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



خودکشی ها در شهرهای کردستان

در یک هفته گذشته دنیا رحیمی اهل دیواندره، ساکن در شهر مریوان، معصومه بریاجی اهل سردشت و شکیلا کریمی اهل سنندج دست به خودکشی زدند.

همچنین دختر جوانی بنام سارا کریمی ۱۸ ساله اهل مریوان از طریق حلقه آویز کردن خود به زندگی اش پایان داد. عصر روز یکشنبه ۸ اردیبهشت در شهر قروه مردی با هویت م ع ۶۳ ساله بدلیل اختلاف خانوادگی همسرش را با هویت م ک ۵۴ ساله با چاقو به قتل رساند.

ممانعت از تودیع قرار؛ گزارشی از آخرین وضعیت ۴ فعال کارگری بازداشتی

فعلان کارگری بازداشت شده به نام های پروین محمدی، علیرضا تقفی و هاله صفرزاده علیرغم صدور قرار کفالت کماکان در بازداشت به سر می برند. روز جاری علیرغم مراجعه خانواده بازداشت شدگان جهت تودیع قرار به آنها گفته شده است که تا روز چهارشنبه باید منتظر باشند. به خانواده این فعالین گفته شده است که واله زمانی، بعنوان نفر چهارم از این جمع ساعاتی پیش آزاد شده است.

بازداشت مژگان کشاورز هنرمند و فعال حقوق زنان بعلت کمک به سیلزدگان



مژگان کشاورز معروف به مایا هنرمند و فعال حقوق زنان که برای

کمک به سیل زده گان رفته بود صبح روز پنجشنبه ۵ اردیبهشت توسط ماموران سرکوبگر اطلاعات در منزل شخصی و جلوی چشمان دختر ۹ساله اش در تهران بازداشت شد.

اکرم نصیریان فعال ندای زنان به زندان اوین منتقل شد



طبق آخرین پیگیری خانواده اکرم نصیریان صبح روز دوشنبه ۹ اردیبهشت در خیابان دستگیر شده و بدون اطلاع به خانواده به زندان اوین منتقل شده است! وی در شعبه ی دوم دادستانی تحت بازجویی است. جرم اکرم نصیریان فعال ندای زنان ایران و فعال سوادآموزی زنان و همیار کمک به سیل زدگان تنها انسانیت بی شاعبه اوست!

کودک آزاری به روایت یک کودک قربانی اعتیاد والدین

دختر ۱۱ ساله ای که بنا به تصمیم مراجع قضایی در آستانه تحویل به اداره بهزیستی مشهد است، زندگی و آرزوهایش را بازگو میکند. والدین این دختر معتاد بوده و در موارد بسیار وی را مورد اذیت و آزار قرار داده اند و اهمیتی برای وضعیت تحصیلی وی قایل نبودند. این کودک می گوید که وجود فضای آشفته و ناامن در خانه، روزهای تعطیل را برای وی به تلخ ترین روزها بدل کرده است. با اینکه هنوز پدر و

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دیکتاتورها از آزادی اندیشه وحشت دارند. زیرا پاسدار سلطه اقلیت چپاولگر بر اکثریت مردمند. اولین گام انقلاب مردم در همه جا گشودن در زندانهاست. انقلابی که در ایران آغاز شده با اعلام قانون آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل، برای همیشه به دوران زندان و زندانهای سیاسی پایان خواهد داد. با سرنگونی توحش اسلامی سرمایه داران، عزیزان در بند را از چنگ دژخیمان رها خواهیم کرد و جامعه ای انسانی و آزاد و برابر را پی خواهیم ریخت.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران

وقایع اخیر کومله از حزب کمونیست ایران مصاحبه مهنوش موسوی با محمد آسنگران درباره



مهنوش موسوی: با محمد آسنگران ستوالتم را در باره دلایل و ریشه های بحران اخیر کومله در میان گذاشتم. بسیار سپاسگزارم که وقتش را به من داد. مصاحبه بسیار خوبی است.

محمد آسنگران: چطور شد تصمیم گرفتید در باره انتشار بیانییه ایی از سوی مرکز دیپلماسی کرد که گویا امضا کومله را هم زیر آن گذاشته بودند اطلاعیه بدهید؟ چرا زنگ نزدید به ابراهیم علیزاده پرسید که حقیقت چیست؟ پرسید چرا امضا کومله زیر این بیانییه است؟ چرا علنی این مسئله را با مردم در میان گذاشتید؟

محمد آسنگران: سوال شما چندین سوال را در خود دارد اجازه بدهید به همه آنها جداگانه پاسخ بدهم. اطلاعیه علنی ما در مورد "قطعنامه کمیته دیپلماسی احزاب کردستانی" و نقد سیاست کومله در این مورد فی البداهه نبود. دو روز قبل از اینکه ما اطلاعیه علنی منتشر کنیم، هنوز از قطعنامه مذکور خبر نداشتیم. اما جلسه چهار جانبه برگزار شد. (کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، کمیته کردستان حزب حکمتیست، کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و روند سوسیالیستی کومله) در این جلسه با حضور این دوستان قرار بود در مورد اول مه حرف بزیم و بیانییه مشترک بدهیم. اما چند روز قبلتر ما متوجه شده بودیم به مناسبت نوروز هیئت مذاکره کننده کومله و پژاک پیام مشترک نوروزی منتشر کرده اند. در این جلسه من پیشنهاد کردم ابتدا بهتر است تکلیف این رابطه کومله و پژاک را روشن کنیم. ببینیم توضیح کومله برای این نوع کار مشترک با

پژاک چیست؟ زیرا قبلا رفیق ابراهیم علیزاده میخواست پژاک را وارد این جمع نیروهای چپ کند تا اطلاعیه مشترک برای فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان بدهیم و ما مخالفت کردیم و متعاقبا حزب حکمتیست هم مخالفت کرد و رفیق علیزاده از این سیاست عقب نشست.

اما اکنون میبینیم که کومله و پژاک در مقابل فعالیت مشترک نیروهای چپ و کمونیست پیام مشترک نوروزی میدهند. اگر رفقای کومله از نظر و سیاست ما خبر نداشتند شاید داستان طور دیگری بود. اما با وجود مطلع شدن آنها از سیاست ما باز هم فعالیت مشترک با پژاک را میبینیم و این نقض مفاد بیانییه مشترک با ما است که خود کومله آنرا امضا کرده است. پاسخ و توضیح کومله این بود که این سیاست کنگره ۱۷ کومله است که ما فعالیت مشترک با نیروهای ناسیونالیست را ادامه میدهیم. چنانچه اکنون هم رهبران کومله از جمله رفیق ابراهیم علیزاده تاکید دارد که همکاریشان با آنها ادامه دار خواهد بود. بنابر این سیاست کومله طبق گفته های تا کنونی هم مشخص است که اصل برای آنها همکاری و نزدیکی با ناسیونالیستهاست. است نه همکاری با نیروهای چپ و کمونیست.

هنگامیکه ما متوجه شدیم که سیاست کومله تاکید بر ادامه سیاست همکاری با جریانانات ناسیونالیستی است و بر ادامه این سیاست پافشاری میکنند، برایمان مسجل بود که جلسه بعدی هم همین پاسخ را خواهیم شنید. به این دلیل ما باید سیاست خود را تاکید میکردیم و اطلاعیه علنی منتشر کردیم. جهت اطلاع شما تا همین

یک لیستی از اجزایی که در این مرکز دیپلماسی هستند به خوانندگان بدهید، خیلیها نمیدانند علت اینهمه اعتراض برای چیست؟

محمد آسنگران: لیست را عینا کپی میکنم که خوانندگان متوجه بشوند کومله با کدام جریانانات فعالیت مشترک کرده و بر ادامه آنها تاکید دارد. درضمن تا همین امروز که ۲۳ آوریل ۲۰۱۹ است بر خلاف ادعای رهبری کومله و برخلاف اطلاعیه کومله امضا آنها همچنان زیر این قطعنامه هست. هیچ اعتراضی هم از جانب کومله دیده نشده است. نقدی هم به این قطعنامه نداشته اند. من لینک قطعنامه در سایت پژاک را اینجا قرار میدهم که همه بدانند موضوع بر سر کدام بحث و سیاست است.

امضاها به قرار زیر است:

۳/۵ / ۲۰۱۹ بروکسل

- ۱- کمیسیون امور خارجه
- ۲- اتحاد میهنی کردستان
- ۳- حزب اتحاد دمکراتیک پ.ی.د.
- ۴- جنبش تغییر ۵- کنگره جوامع دمکراتیک اروپا (ک.ج.د.ک. اروپا)
- ۶- اتحاد سریانی اروپا ۷- کومله-
- ۸- حزب سوسیال دمکرات کردستان
- ۹- جنبش زنان کردستان -
- اروپا ۱۰- فدراسیون ایزدیهای کردستان ۱۱- کودار ۱۲- حزب اتحاد سریانی- روزاوا ۱۳- حزب حیات آزاد کردستان- پژاک ۱۴-
- حزب اسلامی کردستان ۱۵-
- نماینده.د.پ.د. در اروپا ۱۶- حزب دمکراتیک کرد سوریه ۱۷- حزب چپ دمکرات کرد-سوریه ۱۸- حزب چپ کرد-سوری ۱۹- حزب دمکرات کرد -الپارتی-سوریه ۲۰- حزب دمکرات کرد سوریه ۲۱- حزب رزگاری کردستان ۲۲- حزب سبز کردستان (سازمان سبز اروپا- کردستانی) ۲۳- انستیتیوی کرد در بروکسل ۲۴- سازمان دمکراتیک یارسان ۲۵- جماعت اسلامی کردستان ۲۶- جنبش مدرنیزه کردن کردستان-سوریه ۲۷- انجمن شنگال خارج از وطن ۲۸- حزب کمونیست کردستان ۲۹- حزب اتحاد دمکراتیک کردستان-الوحده روزاوا ۳۰- حزب زحمتکش کردستان ۳۱- حزب سبز کردستان روزاوا ۳۲- حزب استقلال کردستان ۳۳-

امروز هم کومله همچنان نقدی به آن قطعنامه و آن بلوک اسلامی وناسیونالیستی نداشته و بر ادامه دوستی خودشان با آنها تاکید میکنند. واضح است این دو استراتژی و دو افق متفاوت در کردستان است. اینکه چرا زنگ نزدیم به کومله دلیلش فکر کنم روشن باشد زیرا آنها حرفشان و سیاستشان را در جلسه قبلی بیان کرده بودند و اعلام کرده بودند که با این جریانانات همکاریشان را ادامه میدهند.

بنابر این سوال تکراری همان پاسخ تکراری را میتوانست دریافت کند. چنانچه اکنون همان پاسخ را همگان از رهبری کومله میبینند و میشوند. حتی امضا کومله تا همین امروز هم بر خلاف اطلاعیه و گفته های رهبری کومله همچنان پای آن قطعنامه هست. بخش دیگر سوال شما این است چرا امضا کومله پای این قطعنامه است روشن است چون کومله نه نقدی به قطعنامه آنها دارد و نه مخالفت جلیبی با آن داشته است. اگر غیر از این بود من و شما تا کنون نقدی از آنها شنیده و دیده بودیم. این همان اعتمادی است که رفقای کومله مرتب تکرار میکنند و کنگره ملی کرد که ارگانی دست ساز پ.ک.ک است با کومله مناسباتشان طوری است که به همدیگر اعتماد دارند. به همین دلیل بدون سوال از رهبری کومله امضایش را پای این قطعنامه گذاشته اند و کومله هم تا کنون اعتراضی به آن نداشته است. ابراهیم علیزاده در آخرین مصاحبه خود میگوید به خاطر دستمال نایست قیصری را به آتش کشید. منظور ایشان تاکید بر ادامه رابطه است.

مهنوش موسوی: میشود اینجا

اتتلاف ایزدیهای سوریه!

مهنوش موسوی: ابراهیم علیزاده گفته است این مرکز اشتباه کرده، نقض فنی بوده است، جواب شما به این ادعا چیست؟

محمد آسنگران: اگر نقض فنی بود و کومله معترض به این امضا بود باید کسی اعتراض آنها را میدید و پ.ک.ک از کومله معذرت میخواست که امضا آنها را جعل کرده است و این امضا را بر میداشت. اما نه کومله اعتراضی کرده و نه امضا حذف شده و نه پ.ک.ک معذرتی از کومله خواسته است. همه اینها بعلاوه اینکه از نظر سیاسی هم تا کنون رهبران کومله یک کلمه نقد به این قطعنامه ننوشته و نگفته اند. پاسخ من به ابراهیم علیزاده همین لینک و امضاها است که در پاسخ سوال قبلی نوشتم. متاسفانه ادعای او و بقیه رهبری کومله خلاف واقعیت است. تا همین امروز امضا کومله در زیر این قطعنامه موجود است. رهبران کومله بر ادامه دوستیشان با این مرکز و پ.ک.ک و پژاک تاکید دارند. همه اینها فاکت و مستند و غیر قابل انکار هستند. هر کسی میتواند به این سایت سری بزند و سیاست مماشات جویانه و دوستانه رهبری کومله و خودی بودن جریانانات ناسیونالیست و اسلامی این مرکز را متوجه بشود. علاوه بر این همه این جریانانات نزدیکی و ارتباطشان با جمهوری اسلامی محرز است. حال سوال این است کومله چگونه میتواند هم دوست ناسیونالیستهای بلوک جمهوری اسلامی باشد و هم با نیروهای چپ و کمونیست برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی و... همکاری کند؟ این تناقضی است که کومله فعلا آنرا با خود حمل میکند.

مهنوش موسوی: دلیل رفت و آمد رهبران کومله به این مرکز چیست. اصلن نقشه جغرافیایی سیاسی الان کردستان را برای ما روی زمین پهن کنید. چند تا مرکز داریم؟ چند تا استراتژی داریم. کی با کجا رفته و هدفشان چیست؟

محمد آسنگران: شاید سوال

از صفحه ۵ وقایع اخیر کومله...

اصلی و گرهی همین باشد. چرا کومله خود را عضو ناظر این جمع میدانند و حاضر نیست از آن فاصله بگیرد؟ اولاً بگویم که کومله بر خلاف آخرین ادعای ابراهیم علیزاده «ناظر بیطرف و میهمان» فقط نیست. کومله در این مرکز حضور داشته و در تدوین اساسنامه آن دخالت کرده است.

اما پافشاری بر ادامه این سیاست کاری است که امروز ابراهیم علیزاده انجام میدهد. رفقای دیگری در کومله البته هستند که ادامه این همکاری با جریان‌های ناسیونالیست و مذهبی را درست نمی‌دانند و آنرا به ضرر کومله میدانند. اما برای وارد شدن به این بحث که جایگاه احزاب سیاسی و مراکز که درست شده است و استراتژی آنها ... لازم است ابتدا بگویم کلا در منطقه بر اساس سیاست و منافع دولتهای درگیر در بحران خاور میانه دو قطب شکل گرفته است. احزاب ناسیونالیست کرد بنا بر ماهیت و سنت سیاسی شان بین این دو قطب تقسیم شده‌اند. در بلوک آمریکا و متحلین منطقه‌ای اش بارزانی و هر دو حزب دمکرات کردستان ایران و دو سازمان زحمتکشان مهتدی و ایلخانی زاده خود را در این بلوک میدانند. جریان‌های کردستان ایران در این بلوک مرکزی به اسم «مرکز همکاری احزاب کردستان ایران» تشکیل داده‌اند.

در مقابل بلوک فوق قطب روسیه جمهوری اسلامی و اسد قرار دارند. پ.ک.ک و اقمارش خود را در این بلوک میدانند. کنگره ملی کرد (ک.ن.ک) و اسامی امضا کننده قطعنامه کمیته دیپلماسی در این بلوک جا میگیرند. کومله با اشتیاق تمام خود را دوست پ.ک.ک و پژاک میدانند و همکاری با آنها را مهم میدانند و در این بلوک اسم نوشته است. از نظر ابراهیم علیزاده این نیروها در چهار پارچه کردستان حضور دارند مهمند، نیرو دارند و در آینده هم دوستی و همکاریشان ادامه خواهد یافت.

اما برای درک عینی و سیاسی این بلوک بندی و اهدافی که تعقیب میکنند لازم است مرور کوتاهی به چگونه شکل گرفتن این بلوک بندی داشته باشیم: تحولات خاور میانه

بستر اصلی این بلوک بندی و شکل گیری دو قطب در منطقه شده است. در راس یکی از آنها آمریکا و در راس دیگری روسیه قرار دارد. اما این بلوک بندی در منطقه مرتب متغیر بوده است چون تعادل قوا و منافع میان مدت دولتهای منطقه و جریانات سیاسی کردستان باعث شده است مواردی جابجایی اتفاق بیفتد و یا حتی مواردی را میبینیم یک جریان مشخص در هر دو بلوک دست دارد. نمونه ترکیه یکی از آنها است هم عضو ناتو و هم متحد و نزدیک روسیه است. نمونه دیگر پ.ک.ک است که در سوریه تحت فرمان آمریکا علیه داعش است. همزمان رابطه دوستی با اسد را قطع نکرده است. در بقیه مناطق کردستان نزدیک و هماهنگ با منافع جمهوری اسلامی کار میکند.

تحولات دو دهه گذشته کردستان عراق و تحولات چند سال گذشته در کردستان ترکیه و ایران و سوریه بستر عمومی شکل گیری این دو قطب از احزاب کرد در این کشورها است.

از روزی که حمله آمریکا به عراق مسجل شد، بلوک بندیها و اتحاد و افتراقها در میان احزاب منطقه هم نطفه اش بسته شد. در پرتو حمله اول آمریکا در ۱۹۹۰ میلادی به عراق احزاب ناسیونالیست کردستان عراق سال ۹۱ به قدرت رسیدند. (تا قبل از این هر دو حزب طالبانی و بارزانی همکار جمهوری اسلامی بودند. نیروهای آنها همراه سپاه پاسداران بارها در جریان جنگ ایران و عراق علیه صدام شرکت کردند. حتی در جریان حمله سپاه برای تصرف حلبچه

و بمباران شیمیایی این شهر بوسیله صدام که باعث مرگ حدود پنج هزار نفر گردید و متأسفانه گردان شوان ما هم در این منطقه گرفتار شد و از بین رفت، احزاب کردستان عراق و سپاه در یک جبهه بودند و فرماندهیشان به عهده نیروهای جمهوری اسلامی بود.) با بقدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق گرایش معینی در درون کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران جنب و جوش خود را آغاز کرد. از قدرتگیری احزاب

ناسیونالیست ذوق زده شده بودند. این گرایش آرام آرام سر بلند کرد و ادعای سهم داشت. آن دوره عبدالله مهتدی قدم به قدم پرچمدار این گرایش شد. سیاست اولیه مهتدی برای نزدیک شدن به احزاب ناسیونالیست کرد بسیار خفیف تر و پوشیده تر از گرایش امروز بخشی از رهبری کومله برای نزدیک شدن به ناسیونالیستها بود.

مهتدی سیاست نزدیکی و همگرایی با احزاب ناسیونالیست کردستان عراق را تحت عنوان «پیدا کردن دوستان و متحدین کومله در میان احزاب کردستان عراق» را پیش کشید.

با نقد سیاست مهتدی و گرایش ناسیونالیستی درون کومله از جانب منصور حکمت، همین رفیق ابراهیم علیزاده مثل امروز منکر وجود گرایشهای سیاسی متفاوت در کومله بود. او مدعی بود گرایش ناسیونالیستی هست اما در خارج کومله است نه در داخل کومله.

مدتها منکر حتی اختلافات آن دوره بود و استدلال میکرد که همه رهبری حزب و کومله یک سیاست دارند و مصوباتشان هم متحدانه تصویب شده است. حتی خود او عضو فراکسیون کمونیسم کارگری شد. بنابر این یکی از نتایج تحولات سیاسی و اجتماعی قدرتگیری ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق تکان خوردن گرایش ناسیونالیستی در رهبری کومله بود و آن دوره پرچم این گرایش در دست عبدالله مهتدی بود. حدود هشت سال بعد از جدایی کمونیسم کارگری مهتدی به حد «بلوغ» رسید و در دوره برو بیبای اصلاح طلبان حکومتی در ایران، رسماً پرچم ناسیونالیسم کرد و انحلال حزب کمونیست ایران را بلند کرد.

در این شرایط بود رفیق ابراهیم علیزاده تلاشش برای نگهداشتن مهتدی به بن بست رسید و اعلام کرد آنها از خط سیاسی کومله فاصله گرفته‌اند. در همین شرایط هم او نخواست بگوید مهتدی پرچم ناسیونالیسم کرد و قوم پرستی را بلند کرده است. با این تحول عملاً مهتدی از سالن چپا رسماً به سالن ناسیونالیستها با رنگ غلیظ قومی تشریف فرما شد. سازمان زحمتکشان را علم کرد و اسم کومله را به سرعت برد. همزمان پیغام

هایش را برای دو قطب اصلاح طلبان حکومتی و کارمندان وزارت خارجه آمریکا فرستاد. منتظر پاسخ ماند اما از هیچ طرفی جدی گرفته نشد. سرخوردگی این تلاش ناموفق در میان آنها انشعاب بعدی را رقم زد و عمر ایلخانیزاده از مهتدی جدا شد.

چند سال بعد بخشی از همین گرایش باز هم در میان کومله با پرچم «کومله اجتماعی است و همه چیز است و حزب کمونیست ایران هیچ نیست و باری بر دوش کومله است و...» به رهبری ساعد وطن دوست سر بلند کرد. آنها فراکسیون تشکیل دادند. رهبری کومله با این اتفاق یکبار دیگر شاهد عروج جناح ناسیونالیست درون رهبری خودش شد و آنها را اخراج کرد.

اکنون هم یک بار دیگر همگان شاهد طرح دوباره این مسئله از جانب بخشی از رهبری کومله هستیم. اما اینبار با پوشش نقد حزب کمونیست ایران «چرا کارگری نشده است» پرچمش را بلند کرده است. این گرایش با صراحت تمام

میگوید: چون حزب کمونیست ایران کارگری نشده است بهتر است پرچم کردی را به اسم کومله بالا ببریم و نیرو صرف حزب کمونیست ایران نکنیم. اینها خیلی صریحتر و با سرعت بیشتری از مهتدی میگویند «حزب کمونیست ایران از اول هم نباید تشکیل میشد.» به زبان بی زبانی این گرایش دارد میگوید: حالا که حزب کارگری نشد و سوسیالیسم هم ممکن نیست پس زنده باد قوم کرد. این گرایش حتی وقتیکه نتوانسته حزب را منحل کند و پرچم کردایتی بلند کند وموقتا عقب نشسته است، نمیگوید آن سیاست نادرست بود. رسماً از تلویزیون کومله میگوید: فعلاً رهبری کومله قدرت پذیرش بلند کردن این پرچم کردایتی را ندارد پس آنرا در طاقچه میگذاریم تا روز خودش برسد.

در بیرون کومله همان دهه نود میلادی حزب دمکرات کردستان ایران منتظر حمله آمریکا به ایران بود. بوش سه محور شر تعریف کرده بود جمهوری اسلامی یکی از آنها بود. وقتی حمله اتفاق نیفتاد حزب دمکرات هم انشعاب کرد. جناح «واقعگرای» این حزب به این نتیجه رسید که فعلاً اصلاح طلبان حکومتی در ایران در بورس هستند و باید به آنها نزدیک شد. خالد

عزیزی در مقام دبیر کلی شاخه انشعابی بارها در جریان انتخابات ریاست جمهوری و شوراها اسلامی استان و... فراخوان شرکت مردم در انتخابات داد. مذاکراتی در سطح محدود با مقامات پایین سپاه پاسداران کرد و به نتیجه نرسیدند. با این اقدامات تلاش کردند پیغام همزیستی و حتی همکاری به جمهوری اسلامی بدهند. اما جمهوری اسلامی به کمتر از تسلیم کامل آنها راضی نبود.

خالد عزیزی که در دوران تشکیل حزب کمونیست ایران عضو کومله بود و مخالف تشکیل حزب، بسیار خودآگاه تر از مهتدی و ساعد وطن دوست جمال بزرگپور و طیف ناسیونالیست فعلی کومله که با پرچم سوسیالیسم در یک کشور عملی نیست و... رفت با حزب دمکرات و در جنبش و حزب خودش کار کرد. اما ناسیونالیستها درون کومله هر بار به شکلی فرصت طلبانه و تحت لوای کدهای انحرافی همان پرچم را بلند میکنند.

در کردستان عراق جنگ حزب بارزانی و طالبانی بر سر قدرت و ثروت در دهه نود میلادی تا جایی پیش رفت که بارزانی دست به دامن صدام حسین شد و طالبانی دست به دامن سپاه پاسداران. بعداً این دو در واشنگتن نزد ولی نعمتشان آشتی کردند. اما از همین دوره بارزانی به اردوغان و آمریکا تکیه زد و طالبانی پیوندش با سپاه قدس جمهوری اسلامی محکمتر کرد.

پ.ک.ک که سالها از حمایت اسد برخوردار بود بعداً تحت تاثیر توافق اسد و اردوغان تحت فشار قرار گرفت. در اثر این فشار که از جانب سوریه وارد میشد رهبری پ.ک.ک ناچاراً به کوههای سعب العیور قندیل پناه برد. اوجلان راهی کشور ثالث شد اما در مسیر سفر دستگیر و به زندان امرالی در ترکیه برده شد.

بعد از این تحولات پ.ک.ک هم سیاست منطقه ای و هم تاکتیک محللیش را قدم به قدم تغییر داد و وارد مذاکره با اردوغان شد. اردوغان متوجه شد در طول مذاکره پ.ک.ک حزبی به اسم حزب دمکراتیک خلقها در ترکیه سازمان داده است و بر کردستان سوریه هم مسلط شده است. این تحول باعث شد اردوغان مذاکره را قطع و جنگ را از سر

وقایع اخیر کومله...

بگیرد.

از سال ۲۰۱۱ که تحولات انقلابی در کشورهای عربی آغاز شد سرعت افتادن دیکتاتورها چنان بود که همه قدرتهای منطقه ای و جهانی را ترساند. آنها در سوریه جلو این سیل را گرفتند. جنگ داخلی راه انداختند. حکومت اسد تضعیف شد. پ.ک.ک و پژاک سال ۲۰۱۲ در مرزهای ایران و عراق درگیر جنگ با جمهوری اسلامی بودند. اما بدون مقدمه و در فاصله کوتاهی آتش بس برقرار شد و هدیه های جمهوری اسلامی به پ.ک.ک رسید. هم پول و هم اسلحه هدایای ارسالی قاسم سلیمانی به پ.ک.ک بود. بعد از آتش بس پ.ک.ک و جمهوری اسلامی بود که نیروهای پ.ک.ک به اسم ی.پ.گ به کردستان سوریه رفتند و قدم به قدم مناطق کردستان سوریه را از ارتش سوریه تحویل گرفتند.

جابجایی چنان منظم اتفاق افتاد که نه مردم درگیر جدال با حکومت شدند و نه مجالی برای دیگری نیروهای سیاسی موجود با حکومت بود. زیرا این جابجایی به شکلی منظم و برنامه ریزی شده انجام شد. نیروی ارتش سوریه عقب می نشست و اسلحه و امکانات و پایگاههای نظامی خود را به ی.پ.گ تحویل میدادند. به این شکل نیروی ی.پ.گ آغاز به فعالیت کرد و تمرکز پ.ک.ک بر کردستان سوریه عملی شد.

سال ۲۰۱۴ با حمله برق آسای داعش این نیروی تروریست مورد حمایت اردوغان و عربستان و قطر بخش وسیعی از خاک سوریه و عراق را تصرف کرد. این نیرو به دروازه های بغداد رسید. همزمان اعلام کرد "تمام ممالک اسلامی" در آفریقا و آسیا را تصرف میکنند و خلافت خود را برقرار میکنند. دولتهای منطقه و خود آمریکا که هر کدام به نحوی این جریان تروریستی را تقویت کرده بودند نگران شدند که کنترل منطقه تماما از کفشان برود.

اینجا بود که مقابله با داعش آغاز شد. پیشروی این نیرو به سمت بغداد سد شد. آنها برای رسیدن به اهدافشان باید شمال عراق و سوریه را به ترکیه وصل میکردند و برای رسیدن به این هدف حمله را به کردستان آغاز کردند. جنگ کوبانی

در این چهار چوب قابل توضیح است. حمله داعش به شنگال و مخمور و کرکوک و اربیل خطر فوری بود و نیروهای پیشمرگ توان مقاومت نداشتند و به سرعت در حال فرار بودند. آمریکا برای سد کردن این حملات به کردستان وارد عمل شد. در اطراف شنگال و در کوبانی داعش را میخکوب کردند. هزیمت داعش از کوبانی آغاز شد. همکاری ی.پ.گ و آمریکا هم در این چهارچوب قابل توضیح است. پروسه شکست نظامی داعش آغاز شد. تمام مناطق تحت حاکمیت آنها یکی بعد از دیگری تصرف شد. اکنون جریانی پراکنده و مخفی در عراق و سوریه هستند.

بر بستر تحولات سوریه و عراق جمهوری اسلامی و اسد خود را پیروز جنگ سوریه میدانستند. روسیه هم قدرت جهانی حامی آنها است و پیروزی را از آن خود میدانند. آمریکا در عراق و سوریه بیشترین نیرو و امکانات نظامی و مالی صرف کرد اما حکومت سوریه و عراق عملاً به دست دوستان جمهوری اسلامی افتاد. در متن این تحولات بلوک بندی احزاب ناسیونالیست کرد را راحت و با فاکتهای عینی و مادی میتوان نشان داد.

جمهوری اسلامی و اسد و حزب الله در میان احزاب ناسیونالیست کرد متحدینی دارند که در راس آنها پ.ک.ک و اتحادیه میهنی و بعد از آنها جنبش تغییر یا حزب گوران قرار دارند. اکنون ی.پ.گ در سوریه تحت فرمان آمریکا است اما رابطه اش با اسد هیچ وقت قطع نشد. از نظر سیاسی و بلوک بندیهای منطقه ای نیروهای اقماری پ.ک.ک در عراق و ترکیه و ایران دوستان نزدیک جمهوری اسلامی هستند و رابطه غیر رسمی اما دوستانه ای بین پ.ک.ک و جمهوری اسلامی برقرار است. اتحادیه میهنی هم از قبل دوست نزدیک جمهوری اسلامی بوده و حزب گوران یا جنبش تغییر هم از نیروهای نزدیک به جمهوری اسلامی است.

بازرانی هم در عراق و ترکیه و سوریه و ایران احزاب و جریانات اقماری خود را سازمان داده و با تقویت میکنند. حزب دمکرات

کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان مهتدی و ایلخیززاده در این کمپ قرار گرفته اند. اینها آماده هر نوع فرمانبرداری از آمریکا و متحدین آمریکا در منطقه هستند. کسی که این تحولات را مرور کرده و یا امروز مرور کند به دلیل قطب بندی نیروهای ناسیونالیست کرد در کردستان و چسبیدن کومله به یکی از این قطبها را به شکل عینی پی میبرد. خلاصه کنم اکنون دو مرکز جریانات ناسیونالیستی در میان احزاب کرد شکل گرفته است. یکی مرکز همکاری احزاب ناسیونالیست کرد نزدیک به بازرانی و دیگری تشکلی به اسم کنگره ملی کرد که پ.ک.ک آنرا سازمان داده است و احزاب و جریانات اسلامی و ناسیونالیست را دور هم جمع کرده است و کومله هم یکی از آنها است. حال ما میخواهیم کومله از این مرکز فاصله بگیرد و رفیق ابراهیم عزیزاده بر همکاری با این مرکز پافشاری میکند.

مهرنوش موسوی: همزمان با فشار کمونیستها روی این خط سازش، یکپه در حزب کمونیست ایران یک عده جرت کردند یک سری مباحث را بیرون بریزند. ربط بین این دو ماجرا چیست؟

محمد آسنگران: من تصور نمیکنم این دو مسئله ربط مستقیمی با هم داشته اند. زیرا اختلافات آنها سابقه چند ساله دارد. اگر دو موضوع به هم ربط داشته اند نتیجه انتخابات کنفرانس خارج کشور حزب کمونیست ایران و علنی شدن این مباحث بود. زیرا در این کنفرانس معلوم شد جناح چپ به شکل حذفی کنار گذاشته شدند. چپها متوجه این واقعیت شدند جناح مقابل تصمیم به حذف آنها گرفته است. و این سناریو میتواند در کنگره آتی هم اتفاق بیفتد.

مهرنوش موسوی: فرق مباحث الان درون کومله با دوره جدایی یک شبکه دیگر قوم پرست به رهبری عبدالله مهتدی کدام است؟ آیا باز هم جدال بر سر نام است؟

محمد آسنگران: نه آن دوره جدال بر سر نام بود و نه امروز جدال این است. جدال بر سر ناسیونالیسم و

کمونیسم است. دقیقتر اگر بخواهم بگویم جدال امروز آنها جدال چپ و راست درون این سازمان است. این جدال در دوره های معینی سر باز کرده است. اما هیچ دوره ای مثل این بار چپ درون کومله و حزب کمونیست ضعیف نبوده است. خارج از شدت و غلظت این دو گرایش و با درست و نادرست بودن این اسم گذاری و تقسیم بندی آدمها، مباحث و سیاستهای آنها نشان میدهد راست کومله این بار عزم جزم دارد تکلیف را یکسره بکند. زیرا تحلیلهای این است که میتوانند این بار چپ را شکست بدهند و یک بار برای همیشه میخواهند به این دردمس خاتمه بدهند. حتی تمام نفرتشان از منصور حکمت و چپ را میخواهند این بار با به زمین کوبیدن چپ درونشان خالی کنند و پیروزی را جشن بگیرند.

با همین پیش بینی و تدارک و آماده سازی بوده است که گرایش راست قبلاً برای خودش تاریخ سازی کرده است. تاریخ کومله و حزب کمونیست ایران را دستکاری و تفسیر به میل کرده است. اسناد را بی اعتبار و ادعا را معتبر دانسته است. طوری این تاریخ سازی چیده شده است که دیگر گرایشهای ناسیونالیست جدا شده از کومله را متقاعد کند که با این تفاسیر کنار بیایند. زیرا کسانی از جناح راست گفته اند اکنون "تئورسین خودمان و مفسر خودمان و تاریخ نویس خودمان و تاریخ خودمان و قهرمانهای خودمان را داریم همه به نفع کومله و کرد است". عنصر "خارجی، بیگانه و غیر کردی" مثل منصور حکمت دیگر معتبر نیست و در این تاریخ هم نقشی نداشته است. ابراهیم عزیزاده خودش در این تاریخ بوده و مباحثش هم اینرا ثابت کرد که تاریخ کومله و حزب کمونیست چنین است که او گفته است. حالا هم حزب کمونیست را باید قدم به قدم کنار گذاشت. اما حتی برای ساختن حزب کمونیست

هم کردها سیاست و تئوری و نقشه و برنامه اش را داشتند. اگر اشتباهی شده است افراد غیر کرد را جایی وارد کردند و این اشتباه تکرار نمیشود. این آن تصویری است که تاریخ پردازان جناح راست کومله به گرایشها جدا شده از این سازمان داده اند. این تصویر بخش قابل توجهی از اعضا و کادرهای کومله امروز است. ابراهیم عزیزاده به این جنبش و این فعالین تکیه داده است. حرفهای چپ و همکاری با چپ و گفتن از کارگر و... دکور و تزیینات این پروژه هستند. ما تلاش کردیم این پروژه را مانع بشویم به هوش نرسد. اما اینبار آنها بسیار صریح و روشن با پرچم ناسیونالیسم کرد به میدان آمده و نمیخواهند کوتاه بیایند.

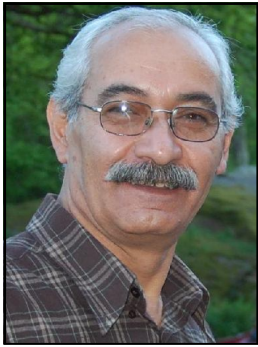
راستهای جدا شده از کومله دفاعشان از سیاستهای ابراهیم عزیزاده با این تفاسیر و تاریخ سازی هماهنگ است. آنها بارها نوشته و گفته اند چپ اگر غیر از اینرا بگوید جایش در کومله و حزب نیست. فرهنگ تحکم آمیز و تهدید و توهین و تحریک فرهنگ عقب مانده چنان رو آمده است که در این چند هفته گذشته یک بار دیگر لجنزار ناسیونالیسم کرد درون کومله را جلو چشم همگان قرار داد.

جناح راست قبلاً تلاش کرده است پیشینه نظری و تئوریک برای خود سرهم بندی کند. اعتماد بنفس پیدا کرده است. تحولات منطقه ای و ایران را به نفع خود میبینند. زیرا فکر میکنند نهایتاً چه با دخالت آمریکا و چه بدون دخالت آمریکا کردستان متحزب منتظر هیچ فرم حکومتی و تعیین تکلیف سراسری نمیشود و احزاب حاکمیتشان را در کردستان اعمال میکنند و حکومت کردی تشکیل میدهند و کومله هم باید متحدین مسلح خود را داشته باشد تا سری توی سرها باشد. از این زاویه است که ابراهیم عزیزاده میگوید "قبصری ک.ن.ک را به خاطر دستمال کمونیسم آتش نمیزند".*

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس: 11766
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: 27500
اف ای سی: 5/6

تهدید و دخالت در زندگی خصوصی زنان و تمامی شهروندان ممنوع!



باندها و دارودسته‌ها روبرو هستند تجمعات اعتراضی راه اندازی کنند. تعرض به سنتهای مردسالار، اسلامی و ناسیونالیستی را میتوان و باید عمیقتر کرد.

رسالت افسار زدن ناسیونالیسم کرد و فرهنگ و سنتهای اسلامی آنان تنها بوسیله احزاب کمونیست، تشکلهای مستقل و رادیکال زنان و دیگر نهادهای سکولار و انساندوست ممکن و میسر است.

۲۵ آوریل ۲۰۱۹

با حمایت وسیع توده مردم و زنان بر بستر این موضوع و تعرض و تهدیداتی که متوجه یکی از اعضای پارلمان زن در کردستان عراق شده است کمپین وسیع، اجتماعی و گسترده‌ای علیه سنتها و فرهنگ مردسالارانه که توسط احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق مدام بازتولید میشود راه اندازی کنند. نیمی از جامعه یعنی زنان در کردستان عراق بطور روزمره و سیستماتیک با این نوع شاخ و شانه کشیدنها، باجگیریها، اهانت و بی حرمتی‌ها و قتل‌های ناموسی مواجه هستند. سازمانهای زنان و احزاب چپ و کمونیست در کردستان عراق اگر بخواهند تعرضی علیه سنتهای مرد سالار و اسلامی احزاب حاکم صورت دهند باید در حمایت، دفاع و پشتیبانی از تمامی زنانی که روزانه با گردن کشی این

دست زده اند. پیداست که زنان در میان آنان با تهدید و حملات جنسیتی بیشتر از سوی فرهنگ و سنتهای مردسالار و اسلامی جریانات ناسیونالیست مواجه شده و مورد تعرض قرار گرفته اند.

حمایت گروه زنان پارلمان و دیگر نهادهای حقوق انسانی از شادی نوزاد بعنوان يك زن عضو پارلمان در مقابل شاخ و شانه کشیدنهاى سنتهای مردسالارانه و ضد زن امثال شاسوار عبدالواحد تلاشی درست و واکنشی بجا است. اما سئوالی که مطرح است این می باشد که آیا گروه ۱۷ نفره زنان پارلمان اقلیم کردستان و سازمان حمایت از حقوق زن این پارلمان در برابر همین تهدیدها علیه زنانی که عضو پارلمان نیستند و روزانه با دهها و صدها تعرض، توهین، بی حرمتی و تجاوز و قتل های ناموسی قرار میگیرند صدایشان را بلند کرده اند؟

هیچگاه شاهد واکنشی از سوی سازمانهای زنان در حکومت اقلیم نسبت به قتل‌های ناموسی، تجاوز و بی حرمتی نسبت به زنان نبوده ایم. نباید این توهم را داشت که گروه زنان پارلمان اقلیم کردستان بنا به موقعیت سیاسی، طبقاتی و پارلمانی و تمکین کردن به سنتهای عقب مانده مردسالار و ضد زن در میان احزاب متبوع خود نقش جدی ایفا کنند. واکنش هفده زن عضو پارلمان در برخورد به عملکرد زشت و ضد زن شاسوار عبدالواحد در نامه ای که با واژه "بنام خدا" شروع شده است، نمیتوان این انتظار را از آن داشت که در ابعاد اجتماعی کاری صورت دهند.

این نهادها حتی با حضور صدها زن عضو در پارلمان باز هم در ظرفیتی نیستند که بتوانند انتظار يك حرکت ریشه ای و اجتماعی را علیه سنتهای عقب مانده، مرد سالار و اسلامی از خود نشان دهند. جسارت شادی نوزاد قابل تحسین است اما کافی نیست به این خاطر که اعتراض او موردی، سطحی و در چهارچوب اختلافات درون سازمانش است.

پاسخ قاطع و کوبنده را میتوان از سازمانهای مستقل زنان در کردستان عراق داشت. آنان میتوانند



عبدال گلپریان

دادن پیام تهدید آمیز به خبرنگاران آنرا رسانه ای کرد.

در واکنش به این مسئله، شاسوار عبدالواحد که در مقام مسئول در جنبش نسل نو قرار دارد و در خارج کردستان عراق بسر میبرد طی پیامی در پاسخ به معترضین گفته است: "خودفروشاها، نامردها و نمکدان شکنها بی ارزش ترین افراد در میان مردم هستند. منتظر باشید دو روز دیگر باز میگردم و بخدمت خواهم رسید"

از سوی دیگر گروه زنان پارلمان اقلیم کردستان عراق که ۱۷ نفر هستند در اطلاعیه ای که با تیتیر "بنام خدا" شروع شده است در قبال این مسئله موضع گرفته و نوشته اند: "تهدید یکی از اعضای پارلمان از جنبش نسل نو را در ادامه همان تهدیداتی قلمداد میکنیم که بنام "شرف و ناموس" مدام با آن روبرو میشویم و امیدواریم "اینگونه تهدیدها در مقابل زنان متوقف شود. ما همچون زنان اعضای پارلمان اقلیم کردستان علیرغم تفاوت‌های سیاسی، افکار و ایدئولوژیک، بشدت این تهدها را محکوم میکنیم و حمایت خود را از شادی نوزاد اعلام میداریم."

آنچه که بعنوان اعتراض جمعی از رهبری جریان بنام جنبش نسل نو مطرح شده است ابا چیز تازه ای در میان احزاب ناسیونالیست و اسلامی حاکم بر کردستان عراق نیست. عملکرد سه دهه احزاب حاکم بر کردستان عراق مملو از حیف و میل ثروت بادآورده از سوی سران این احزاب بوده و هر جا با مخالفت بخش دیگری از شرکا مواجه شده اند بلافاصله به ترور فیزیکی و تهدید شخصیتی رقا

تهدید و دخالت در زندگی خصوصی زنان و تمامی شهروندان که سنتی پایدار در میان احزاب ناسیونالیست کرد است را باید شدیداً محکوم و رسوا کرد.

در چند روز گذشته اخباری در رسانه ها و میدیای اجتماعی منتشر شد حاکی از این موضوع که یکی از اعضای جنبش "نوه ی نوی" (نسل نو) از جریانات کردستان عراق بنام "شادی نوزاد" از عضو رهبری این جریان بنام "شاسوارعبدالواحد" به دادگاه شکایت کرده است. جنبش نسل نو در پارلمان اقلیم دارای دو کرسی است.

داستان از این قرار است که نیمی از اعضای رهبری این جریان که سیزده نفر هستند نسبت به راکد ماندن و انفعال این جریان در فعالیتهای روتین اعتراض داشته اند. علاوه بر این معترضین بر این نظر هستند که تمامی امکانات مالی و تصمیم گیریها در اختیار شخصی به اسم "شاسوار عبدالواحد" قرار دارد و میکوشد جهت گیری امورات "جنبش نسل نو" را در دایره امورات بیزنس و توسط خانواده خود قبضه کند. در همین رابطه شادی نوزاد و دیگر معترضین، شاسوار عبدالواحد را به این متهم کرده اند که در اتاق استراحت تنی چند از زنان از جمله شادی نوزاد دوربین مخفی کارگذاشته و از طریق پیام مبایل که برای شادی نوزاد فرستاده و تهدید کرده است که این ویدئوی خصوصی او را منتشر خواهد کرد. شادی نوزاد نیز روز چهارشنبه ۲۴ آوریل در يك کنفرانس مطبوعاتی با نشان

آدرس های تماس با حزب کمونیست کارگری:

سایت حزب: www.wpiran.org
فیسبوک: www.facebook.com/wpiran
تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

کمیته سازمانده حزب
تلفن، واتس آپ و ایمو:
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۴۴۲
ایمیل: tamas.wpi@gmail.com
تلگرام: [@sazmande](https://t.me/sazmande)
سایت: www.sazmandeh-wpi

تلویزیون کانال جدید
<http://newchannel.tv>
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com
تلگرام: [@kanaljadid](https://t.me/kanaljadid)
پیامگیر: 0013108569897

کمیته کردستان حزب
سایت: www.iskraa.net
تلگرام:
<https://t.me/komitekordestan>
ایمیل:
nasan.nodianian@gmail.com
فیسبوک
www.facebook.com/komite.kurdistan.wpi

دفتر مرکزی حزب
سیامک بهاری، ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

کمیته آذربایجان حزب
ایمیل:
komiteazarbaljan76@gmail.com
فیس بوک:
[facebook.com/sahandazadiwpi](https://www.facebook.com/sahandazadiwpi)
کانال تلگرام: [@KSahand](https://t.me/KSahand)

سازمان جوانان کمونیست
کانال تلگرام:
https://t.me/jk_org/
اینستاگرام:
<http://instagram.com/javanan.komonist>
فیسبوک:
<https://www.facebook.com/cyo.sjk>
یوتیوب:
<https://www.youtube.com/user/sjkiran1>

کانال تلگرام انجمن مارکس:
<https://t.me/anjomanmarx>

اطلاعیه های حزب

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند!
با تمام قوا به استقبال اول مه برویم!

روز ششم اردیبهشت بیش از ده نفر از فعالین کارگری که در استقبال از روز جهانی کارگر در پارک جهان نما در اتوبان تهران کرج تجمع کرده بودند، توسط مزدوران امنیتی حکومت دستگیر شدند. اسامی ده نفر از دستگیر شدگان عبارت است از: پروین محمدی، واله زمانی، علیرضا تقفی، هاله صفرزاده، سعید ترابیان، فواد فتحی، مصطفی شوکت، امیر عباسی، صفیاء قربانی و بلال قربانی. دستگیر شدگان به مکان نامعلومی منتقل شده اند.

در شهرستانها نیز تعدادی از فعالین کارگری احضار شده و مورد تهدید قرار گرفته اند. از جمله در ارومیه احمد تقی زاده و در سنجید غالب حسینی و مظفر صالح نیا توسط سپاه پاسداران، و هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران توسط اداره اطلاعات این شهر احضار شده و به آنها اخطار کرده اند که در مراسم های روز جهانی کارگر شرکت نکنند. اما فعالین کارگری اعلام کرده اند که شرکت در مراسم روز جهانی کارگر را حق خود می دانند.

جمهوری اسلامی که فضای پر جنب و جوش اعتراض و تحرك وسیع کارگران برای تجمعات اول مه را میبیند، با این احضارها و تهدیدها میخواهد جلو این تحركات را بگیرد و مانع به خیابان آملن توده های کارگر و مردم معترض در روز جهانی کارگر بشود. این اقدامات سرکوبگرانه را باید با تلاش برای برگزاری مراسم های قدرتمند روز جهانی کارگر در سراسر کشور پاسخ داد. برگزاری مراسم ها و تجمعات اول مه و داشتن يك زندگي شایسته انسان حق بی چون و چرای کارگران و همه مردم است.

حزب کمونیست کارگری احضار و دستگیری کارگران را شدیداً محکوم میکند و خانواده های کارگری، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان و کلیه مردم آزادیخواه را فرامیخواند که اول مه را به روز اعتراض به فقر و بیحقوقی و به کل نظام فاسد اسلامی تبدیل کنند. حزب کارگران و مردم را فرامیخواند که مطالبات خود را با صدای بلند اعلام کنند و خواهان آزادی فوری کارگران دستگیر شده و کلیه زندانیان سیاسی و پایان دادن به احضارها و دستگیری ها شوند. کارگران دستگیر شده در پارک جهان نما و کارگران و معلمان زندانی اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده، سپیده قلیان، اسماعیل عبیدی، محمد حبیبی، روح الله مردانی، محمود بهشتی و عبدالرضا قنبری و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

زنده باد اول مه

دستگیر شدگان اول ماه مه

باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ فروردین ۱۳۹۸، ۲۶ آپریل ۲۰۱۹

کارگران با اعتراضاتشان
به استقبال روز جهانی کارگر میروند

فراخوان کارگران راه آهن به اعتراضات سراسری

در آستانه اول مه کارگران راه آهن اعتراضی سراسری را بار دیگر آغاز کرده اند. فراخوان به اعتراض جمعی و سراسری علیه نپرداختن دستمزدها از سوی شرکت های قراردادی دیروز ششم اردیبهشت ماه در کانال تلگرامی کارگران راه آهن داده شد و همه کارگران راه آهن و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن به اعتراضی سراسری فراخوانده شدند. این اعتراضات از امروز هفتم اردیبهشت ماه به شکل برپایی تجمعات در محیط های کار آغاز شده و تا کنون کارگران راه آهن خراسان، زاگرس و لرستان، هرمزگان، آذربایجان، تهران، اسلامشهر، ریاط کریم، تعمیرات جاری، شاهرورد، سمنان، دامغان و جنوب زاهدان به آن پیوسته اند.

تجمع اعتراضی پرسنل بیمارستان موسوم به خمینی در دهدشت

روز پنجشنبه ۵ اردیبهشت پرسنل بیمارستان خمینی دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد در پی پرداخت نشدن ۶ ماهه حقوق و مطالبات شان دست از کار کشیده و تجمع اعتراضی کردند. پرستاران بیمارستان خمینی دهدشت تیرماه سال ۹۷ نیز در اعتراض به پرداخت نشدن یکسال مطالبات خود، دست به تجمع اعتراضی مقابل ساختمان این بیمارستان زده و خواستار رسیدگی به خواسته های به حق خود شدند.

استعفای دسته جمعی کارکنان اداری آموزش و پرورش نور آباد لرستان

روز ۵ اردیبهشت جمعی از کارکنان اداری آموزش و پرورش نور آباد لرستان در اعتراض به پرداخت نشدن اضافه کاری و حق ماموریت سال گذشته خود طی طوماری اعتراض استعفای خود را بطور جمعی از کار در آموزش و پرورش اعلام کردند.

تجمع اعتراضی معلمان پیش دبستانی چند استان در مقابل وزارتات آموزش و پرورش

روز ۷ اردیبهشت جمعی از معلمان پیش دبستانی حق التدریسی چند استان کشور که حدود ده سال سابقه کار دارند و حقوق ماهانه شان ۱۵۰ هزار تومان (۹۰۵ یورو) در ماه است، در اعتراض به سطح نازل حقوقها و بلاتکلیفی شغلی خود در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. معلمان قرار است در سطح سراسری روز ۱۲ اردیبهشت یعنی يك روز بعد از اول مه روز جهانی کارگر در تهران و در شهرستانها برای پیگیری خواسته هایشان در مقابل مراکز آموزش و پرورش دست به تجمع بزنند. معلمان در بیانیه خود روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. معلمان در اعتراضات تا کنونی شان بر خواسته هایی چون افزایش حقوق ها به بالای خط فقر هفت میلیونی، تحصیل رایگان برای همه کودکان، آزادی فوری معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به کلاهی کردن آموزش و خصوصی سازیها، درمان رایگان، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن، توقف اختلاس ها در بانک ذخیره فرهنگیان و بازگشت پولهای به سرقت رفته به این صندوق و استخدام معلمان حق التدریسی و پرداخت طلبه هایشان تاکید کرده اند. خواسته های معلمان خواسته های همه مردم است و دیگر تشکلهای کارگری در بیانیه های خود به مناسبت روز جهانی کارگر حمایت خود را از فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به تجمعات روز دوازده اردیبهشت اعلام کرده اند. مبارزات و خواسته های معلمان شایسته وسیعترین حمایت هاست.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ اردیبهشت ۹۸، ۲۷ آپریل ۲۰۱۹

اول مه: فراخوان ۱۱ تشکل کارگری
و دانشجویان به تجمعکارگران با قطعنامه ها، بیانیه ها و
فراخوانهایشان

به استقبال روز جهانی کارگر میروند

تا کنون یازده تشکل کارگری و دانشجویان به مناسبت روز جهانی کارگر در تهران به تجمع در مقابل مجلس اسلامی فراخوان داده اند. این تجمع در ساعت ده صبح روز یازده اردیبهشت برابر با اول ماه مه برگزار خواهد شد. تشکلهای کارگری که تا کنون برای روز جهانی کارگر فراخوان تجمع در مقابل مجلس اسلامی داده اند عبارتند از: "شورای کارگران شاغل و بیکار"، "اتحادیه آزاد کارگران ایران"، "اتحاد سراسری بازنشستگان ایران"، "اتحادیه نیروی کار پروژه ای"، "بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی"، "بازنشستگان فلزکار- مکانیک" و "جمعی از کارگران صنف فلز کارو مکانیک"، "سندیکای شرکت واحد"، "اتحاد بازنشستگان"، "کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری" و "شورای بازنشستگان ایران". لازم به یادآوری است که هفت تشکل اول امروز هفتم اردیبهشت ما بیانیه مشترکی منتشر کردند و بقیه در روزهای قبل طی بیانیه های جداگانه ای برای برگزاری مراسم اول مه فراخوان دادند. گروههایی از دانشجویان دانشگاهها نیز برای تجمع در روز جهانی کارگر فراخوان داده اند. این فراخوانها علیرغم یورش حکومت به نشست فعالین کارگری برای هماهنگی اول مه، فراخوان داده شده است.

در بخشی از فراخوان هفت تشکل کارگری که امروز هفتم اردیبهشت یعنی یکروز بعد از دستگیری فعالین کارگری منتشر شده چنین آمده است: "ما پیشاپیش اعمال هر گونه محدودیتی در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را قویاً محکوم میکنیم و با فراخوان به کارگران (شاغل، بیکار و بازنشسته) در سراسر کشور برای برگزاری هر چه شکوهمندانه تر مراسم این روز، دست در دست هم و متحدانه راس ساعت ده صبح روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در مقابل مجلس "شورای اسلامی" گرد هم میائیم و بطور یکپارچه ای خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت و گرانی، و در کل شرایط مصیبت باری می شویم که به ما کارگران و همه مزدبگیران زحمتکش تحمیل شده است."

بدین ترتیب کارگران و نهادهای مختلف اجتماعی با تاکید گذاشتن بر حق مسلم خود برای برگزاری این روز جهانی همبستگی کارگری، عزم جزم کرده و در صفا متحد به استقبال روز جهانی کارگر میروند. اول ماه مه خیابان ها مال ماست، اول مه را باید هر چه با شکوهرتر برگزار کرد.

این فراخوانها قطعنامه ها و بیانیه های کارگران و نهادهای مختلف کارگری بازتاب عزم کارگران در دفاع از حقوق خود و همه مردم در برابر حاکمین سرمایه است. در این قطعنامه ها کارگران بطور واقعی خواسته های کل جامعه را نمایندگی کرده و در برابر تعرضات و توحش حاکمین سرمایه کیفرخواست کارگران را اعلام میکنند. این قطعنامه ها بر مطالباتی فوری

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری

اطلاعیه های حزب ...

از صفحه ۹

قطعنامه کارگران سندیکای نقاشان البرز به مناسبت روز جهانی کارگر

قطعنامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر ۹۸

بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه -

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه - گروه اتحاد بازنشستگان -

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

به مناسبت روز جهانی کارگر

بیانیه مشترک ۴ تشکل مستقل کارگری

به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر

۶- کارگران زندانی اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

۷- مجازات اعدام باید ممنوع شود و احکام اعدام لغو شوند. احکام شنیعی چون شلاق ممنوع شود و به امنیت کردن مبارزات و محیطهای کار پایان داده شود و نیروهای امنیتی همچون شوراها اسلامی و حراست و بسیج از کارخانجات بیرون روند. کلیه احکام امنیتی لغو شوند

۸- برابری زنان و مردان مورد باید در تمامی زمینه های اجتماعی سیاسی فرهنگی و اقتصادی و هرگونه تبعیض علیه زنان لغو و برچیده شود. حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی ممنوع شود

۹- بالا بردن امنیت محیط ها و فضای کار مطابق استانداردهای پیشرفته امروزی

۱۰- دستمزدهای معوقه کارگران و مطالبات معلمان بازنشستگان و همه حقوق بگیران باید فوراً پرداخت شود

۱۱- ممنوعیت کار کودکان و تامین شرایط زندگی، تحصیل رایگان و برابر بدون در نظر گرفتن تعلقات قومی، ملی، جنسی، و مذهبی مطابق با استانداردهای پیشرفته امروز جهان فراهم گردد

۱۲- باید به اختلاس ها و دزدی ها از صندوق های بازنشستگی و تامین اجتماعی پایان داده شود و عاملین دزدی در این صندوق ها محاکمه شوند و پول های دزدیده شده به این صندوق ها بازگردانده شود

۱۳- باید تمامی سیل زدگان که مسکن و زندگی شان را از دست داده اند در مکان های مناسب فوراً اسکان داده شوند و خسارتی که به آنها وارد شده جبران شود سیل زدگان که کار و امکان گذران زندگی خود را از دست داده اند از بیمه بیکاری برخوردار شوند

۱۴- کارگران افغانستانی، پاکستانی و ... باید بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه به رسمیت شناخته شوند

۱۵- باید اول ماه مه، روز جهانی کارگر تعطیل رسمی اعلام شود و هرگونه ممنوعیت و محدودیتی

قطعنامه کارگران سندیکای نقاشان البرز به مناسبت روز جهانی کارگر

متحد و سراسری به استقبال برگزاری هر چه با شکوهرتر روز همبستگی جهانی کارگران برویم. اول مه روز اعتراض علیه ستم و برده داری و کلیه فجایع سرمایه داری در سراسر جهان است. ما نیز در این روز به خیابان می آییم و ساعت ده صبح چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت در مقابل مجلس اسلامی حضور می یابیم تا خواسته هایمان را اعلام کنیم.

امسال نیز دستمزدهای چند بار زیر خط فقر را برای ما کارگران رقم زدند و با رشد سرسام آور قیمت ها زندگی و معیشت ما هر روز بیشتر دستخوش تلاشی می شود. فقر و بیکاری بیاد می کند و هر روز بر شمار کودکان کار اضافه می شود و این لکه ننگی بر دامن سرمایه داری حاکم است. سیل هولناک اخیر نیز حاصل سودجویی و چپاولگرهای سرمایه داری حاکم است. زندگی بخش عظیمی از ما کارگران و مردم را به نابودی کشانده است. اول ماه مه فرصتی است که در اعتراض به همه این معضلات زن و مرد، معلم و بازنشسته، کارگر شاغل و بیکار و همه وهمه متحد و یکپارچه به میدان بیاییم و اعلام کنیم که دیگر به این بردگی و نابرابری تن نخواهیم داد. ما به مناسبت اول ماه مه به خواسته های فوری زیر تاکید داریم:

۱- دستمزدها باید فوراً متناسب با سبد هزینه اعلام شده به رقم هفت میلیون تومان برسد و متناسب با رشد قیمتشان افزایش یابد

۲- باید همه کارگران جوان و آماده به کار، زن و مرد از بیمه بیکاری که رقم آن برابر با حداقل مزد هفت میلیونی است، برخوردار شوند

۳- باید اخراج ها فوراً متوقف شود و امنیت شغلی و معیشت ما تامین شود

۴- باید استخدام های برده وار موقت کار به استخدام های دائم تبدیل شود و دست پیمانکاران از محیطهای کار کوتاه شود

۵- حق کارگران و همه مردم است که از بیمه های اجتماعی چون بهداشت و درمان رایگان و ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن برخوردار شوند

ای تاکید گذاشته است که بطور واقعی خواسته های همه کارگران و کل جامعه است .. برخی از مطالبات مشترکی که در قطعنامه های جداگانه کارگران مورد تاکید قرار گرفته عبارتند از:

آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل، حق اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، آزادی اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات، حقوق برابر زن و مرد و لغو حجاب اجباری، لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، لغو مجازات اعدام و احکام شنیعی شلاق، ؛ پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی، ممنوعیت کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی شاد و تحصیل رایگان و برابر برای همه کودکان فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب مطابق با استانداردهای پیشرفته امروزی؛ به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هرگونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان، اسکان فوری سیل زدگان و پرداخت خسارت به آنان، افزایش فوری حداقل دستمزد به ۷ میلیون تومان و پرداخت بیمه بیکاری به همه کارگران بیکار و جویندگان کار بر همین میزان، و نیز ترمیم مستمری بازنشستگان حداقل به میزان ۷ میلیون تومان در ماه، پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده کارگران و مطالبات بازنشستگان و دیگر بخش های حقوق بگیر جامعه، برقراری بالاترین استانداردهای ایمنی کار در تمامی محیطهای کارگری، لغو قراردادهای موقت کاری و از جمله قراردادهای سفید امضا و برقراری استخدامهای دائم و کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار، امنیت شغلی برای همه کارگری و متوقف شدن بیکارسازها، به رسمیت شناختن اول ماه مه روز جهانی کارگر بعنوان روز تعطیل رسمی و لغو هرگونه ممنوعیت و محدودیت برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر

قطعنامه های اول ماه مه پلاتفرم مبارزات متحد و سراسری کارگران برای پیگیری خواسته ها و مطالباتشان است و برای دستیابی به آنها مبارزه ای منتهد و همه جانبه را به پیش میبرند.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم معترض را به شرکت وسیع در مراسم و تجمعات روز جهانی کارگر در تهران و در شهرستانها و گرامی داشتن روز جهانی کارگر در همه جا فرا میخواند. حزب بر آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه پروین محمدی، واله زمانی، هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی و کارگران زندانی اسماعیل بخشی و جعفر عظیم زاده و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تاکید دارد. با در دست گرفتن عکس این کارگران و نصب آن در همه جا بر حق برپایی مراسم روز جهانی کارگر باید پای کوید.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

پیش بسوی تشکیل شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ اردیبهشت ۹۸، ۲۷ آپریل ۲۰۱۹

۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، با صدای بلند اعلام کنیم:

ما کار میکنیم که زندگی کنیم،
زندگی نمیکنیم که کار کنیم.



از صفحه ۱۰ **قطعنامه و بیانیه های تشکلهای کارگری ...**

برای برگزاری مراسم این روز ملغی گردد
زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر
سنديکای نقاشان البرز
اول می ۲۰۱۹
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸

قطعنامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر ۹۸

روز جهانی کارگر در حالی فرا میرسد که هیچ روزنه ای از طرف سیستم حاکم برای بهبود زندگی میلیونها خانواده کارگری و افشار گسترده ای از جامعه وجود ندارد.

علاوه بر تداوم و افزایش فقر و فلاکت و گرانی، شیرازه اقتصادی جامعه در حال از هم گسیختگی است و جناح های مختلف حاکمیت ضمن اعتراف به این حقیقت، هیچ برنامه ای جز تحمیل بیشتر فقر و فلاکت و سرکوب اعتراضات میلیونها کارگر و مردم تحت ستم در ایران را ندارند.

تورم و افزایش چند برابری قیمت مایحتاج زندگی نسبت به سال گذشته و افزایش ناچیزی به میزان حداقل مزد در سال ۹۸، زندگی کارگران را چندین برابر بیشتر به زیر خط فقر رانده و عملاً خانواده های میلیونها کارگر و افشار کم درآمد جامعه را به لب پرتگاه نابودی کشانده است.

با واگذاری مراکز تولیدی و صنعتی به نهادها و افراد مرتبط با حوزه قدرت عملاً این مراکز را با ورشکستگی و تعطیلی مواجه کرده و ده ها هزار نفر از کارگران را با خطر اخراج و بیکاری روبرو کرده اند و اعتراضات کارگران به این مافیای خصوصی را با سرکوب و اخراج و شکنجه و زندانی کردن پاسخ میدهند.

طمع سیری ناپذیر سرمایه داران حاکم چنان جامعه را به مرز نابودی کشانده است که از کوچکترین تعرضی به طبیعت و محیط زیست نیز چشم پوشی نکرده و چنانچه در سیل اخیر شاهد بودیم همین تعرض به طبیعت پیامدهای فاجعه بار صدچندانی را به خانه و زندگی هزاران نفر از مردم وارد کرده و مسئولین و نهادهای حاکم هیچ توان و اراده ای برای کمک و جبران خسارت به مردم سیل زده ندارند.

در مقابل این همه بی حقوقی و تهاجم به زندگی کارگران و سایر افشار جامعه، جنبش عظیم مطالباتی مردم روز به روز قدرتمندتر و تعرضی تر به جلو آمده و مبارزات کارگران به نقطه ثقل تحولات در جامعه بدل گشته است.

اعتصابات قدرتمند کارگران هپکو، فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه به تسخیر خیابانها انجامید و تمامی جامعه را معطوف به خود کرد. تحصن های گسترده معلمان و رانندگان و تجمع های بازنشستگان برای دستیابی به

مطالباتشان نشان داد که میلیونها کارگر و مزدبگیر به میدان آمده اند تا معادلات را تغییر داده و خواسته هایشان را محقق کنند.

در جریان سیل اخیر مردم با بی اعتمادی کامل نسبت به مسئولین به کمک رسانی به سیل زدگان شتافتند و گروه های مختلف مردمی را برای کمک رسانی سازمان دادند. در شیراز و آق قلا دست به تجمع های اعتراضی زدند و در خوزستان اعتراضات گسترده ای نسبت به بی عملی مسئولین در جریان است.

چپاولگری غارتگران دسترنج ما کارگران و سیاست سرکوب هر نوع مطالبه گری توسط حکومتگرانی که چهل سال پیش با ژست مستضعف پناهی سرنوشت جامعه را حاکم شدند از یک سو، و از سوی دیگر پیشروی اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران، رانندگان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و ده ها هزار نفر از مالباختگان مؤسسات مالی میروند تا به یک رویارویی عظیم تبدیل گشته و سال پیش رو را به سال اعتراضات و اعتصابات گسترده ای تبدیل کند.

ما کارگران با توجه به شرایط فلاکتبار اقتصادی جامعه و نبود هیچ روزنه امید از طرف سیستم حاکم برای بهبود اوضاع، وقوع تغییرات بنیادین در کشور را تنها راه برای پایان دادن به وضعیت دهشتناک کنونی میدانیم و بر این مبنا حداقل خواسته های خود را به شرح زیر اعلام میداریم:

۱- افزایش فوری حداقل دستمزد به ۷ میلیون تومان و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران بیکار و جوانان آماده کار به میزان حداقل مزد

۲- تامین فوری مسکن برای سیل زدگان، تامین بیمه بیکاری و جبران خسارات برای تمامی کسانی که به نحوی از این اتفاق اخیر دچار خسارت های مادی و جانی شده اند؛

۳- پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره علیه فعالان کارگری، معلمان و دیگر جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب و آزادی بی قید و شرط همه کارگران، معلمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در بند،

۴- آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل های مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات؛

۵- پرداخت فوری مطالبات معوق کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان بخش خصوصی و دولتی همراه با خسارت دیر کرد و تصویب قانونی برای جرم دانستن عدم پرداخت حقوق و مزایا؛

۶- تامین امنیت شغلی و توقف اخراج سازیها، برچیده شدن قراردادهای موقت،

امحا شرکت های تامین نیروی انسانی و بیمانکاری، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل در کارگاههای کوچک، مناطق آزاد و ویژه تحت پوشش کامل قانون کار و عدم افزایش مبلغ بیمه کارگران ساختمانی؛

۷- قطع دست دولت از صندوق های بازنشستگی، سپردن اختیار صندوق سازمان تامین اجتماعی و دیگر صندوقهای بازنشستگی به هیات امنایی از نماینده های منتخب اعضا، محاکمه غارتگران صندوق های بازنشستگی و جبران خسارت های وارده به اعضا؛

۸- خارج شدن طرح "اصلاحات پارامتریک" از دستور کار مجلس و واگذاری اختیار تصویب هر گونه قانون برای کارگران، به نمایندگان منتخب مجامع عمومی آنان؛

۹- ممنوعیت کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی، تحصیل رایگان و برابر برای همه کودکان فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب مطابق با استانداردهای پیشرفته امروزی؛

۱۰- برقراری بالاترین استانداردهای ایمنی کار در تمامی محیطهای کارگری؛

۱۱- بر چیده شدن حجاب اجباری و تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان؛ برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی؛

۱۲- به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هر گونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان؛

۱۳- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی شود. اتحادیه آزاد کارگران ایران- اردیبهشت نود و هشت

بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه - گروه اتحاد بازنشستگان - کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

فرخنده باد اول ماه می (۱۱ اردیبهشت)
روز اتحاد رزمنده کارگران ایران و جهان علیه
نظام سرمایه داری!

حرکت دلیرانه صدها هزار کارگر شهرهای مختلف آمریکا در روز اول ماه می ۱۸۸۶ که برای برقراری ۸ ساعت کار در روز، اعتصاب کردند و بسیاری از آنان در صفوف متحد و فشرده در خیابان های شیکاگو با قدم های محکم و بدون ترس از پلیس و دیگر مزدوران سرمایه داری به تظاهرات برای خواست به حق

خود روی آوردند تنها برای مقابله با سرمایه داران و کارفرمایان استثمارگر آمریکا صورت نگرفت؛ این جنبش همچنین پیامی بود برای همبستگی و اتحاد کارگران همه کشورها، فارغ از ملیت، جنسیت، عقیده، مذهب و نژاد در مقابل استثمار حاکم و شرایط دهشتباری که نظام سرمایه داری بر کارگران و دیگر مردم زحمتکش تحمیل کرده است. این پیام عملی، خونین و فراموش نشدنی که هنوز پس از ۱۳۳ سال در سراسر جهان طنین انداز است ادامه درسی بود که پیشروترین کارگران و اندیشمندان جهان با ایجاد اتحادیه بین المللی کارگران به طبقه کارگر ارائه کرده بودند.

پیام اول ماه می حدود صد سال پیش در ایران نیز منعکس شد و کارگران ایران سال ها این روز را جشن گرفته و این روز به سنت مبارزه برای خواست های برحق کارگران، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، بازنشستگان، زنان و تمامی مزدبگیران زحمتکش، تبدیل گشته است.

نظام سرمایه داری در ایران بر مبنای ضرورت و تابعیت از مناسبات جهانی و تحت تاثیر بحران اقتصادی و عقب ماندگی مناسبات سرمایه داری داخلی، همواره به خشن ترین شیوه های سیاسی و اقتصادی در مقابل کارگران و زحمتکشان ایران و مطالبات انبوه و پایمال شده آنان، توسل جسته است. این استثمار و خشونت نه تنها بر کارگران صنعت، معدن و کشاورزی بلکه بر سطح معیشت و شرایط اسفبار زندگی کارکنان رشته های مختلف خدمات و از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و ... نیز وارد گشته و صف بندی مشترک و مبارزه پیگیر در جهت کسب مطالبات را متمرکزتر ساخته است.

کشیده شدن مبارزات و اعتصابات کارگران به خیابان های شهرها همراه با خانواده ها و حمایت های کوبنده مردم (هپکو، هفت تپه، فولاد، سندیکای شرکت واحد و ...)، در

اعتراض به مزدهای ناچیز، تحمیل گرسنگی و کوچک سازی سفره خانواده ها، معوقات و وضعیت ننگین قراردادهای، درخواست مسکن مناسب، فساد گسترده در جریان جایجایی ها و خصوصی سازی ها در نهادها، مراکز و عرصه های مختلف، از جمله عرصه صنایع، دانشگاه ها، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و ...، بازداشت ها و پرونده سازی های

بیشترمانه علیه کارگران، اعتصابات مداوم و سراسری معلمان و عدم حضور در کلاسها، تجمعات پیاپی بازنشستگان در مقابل مجلس، وزارت کار، سازمان برنامه و بودجه و سایر شهرها، تجمع و اعتصابات پرستاران در حیاط بیمارستان ها، اعتراضات وسیع دانشجویان، زنان، فعالان محیط زیست، همه و همه نشان دهند این واقعیت است که استمرار این شرایط غیرانسانی و تحمیلی،

از صفحه ۱۱ **قطعنامه و بیانیه های تشکلهای کارگری ...**

راهی جز اتحاد و ارتقاء سطح مبارزات متشکل جاری مشترک برابیمان در برنارد.

علاوه بر این، در نهایت تأسف بخش عظیمی از مناطق ایران و مردم محروم در معرض فاجعه سیل اخیر قرار گرفته، شماری از مردم جان خود را از دست داده اند و خسارت های عظیمی به سرپناه و دارایی های شهروندان وارد گردیده است. یکی از علل گستردگی خرابی ها و آوارگی مردم بر اثر بی مسئولیتی ارگان ها و متولیان حاکم، عدم رعایت استاندارد در ساخت و سازها و تخریب محیط زیست می باشد. این فاجعه تأثیرات مخرب و هولناکی بر زندگی و معیشت زحمتکشان این مناطق وارد ساخته است و کارگران و همه مردم حق دارند دولت را پاسخگوی رفع مشکلات و نیازهای خود بدانند و بر امر کمک رسانی و بازسازی این مناطق پافشاری کنند.

ما از همه کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، بیکاران، دانشجویان و جوانان دعوت می کنیم با تجمع و همبستگی، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) را روز اعتراض نسبت به شرایط غیرانسانی موجود و طرح مطالبات برحق خود قرار دهیم:

۱- تعیین مزد حداقل به میزان ۷ میلیون تومان در ماه برای یک خانواده چهار نفری.
۲- آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی که برای خواست های خود مبارزه کرده اند و منع تعقیب قضایی آنها، آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و آزادی معلمان و دانشجویان زندانی.

۳- برقراری بیمه بیکاری برای تمام بیکاران و جویندگان کار.

۴- ترمیم مستمری بازنشستگان حداقل به میزان ۷ میلیون تومان در ماه، تأمین بیمه های اجتماعی کامل و کارآمد و مسکن مناسب برای بازنشستگان، نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق های بازنشستگی و شرکت در مدیریت آنها.

۵- الغای هرگونه تبعیض جنسیتی، مذهبی، ملی و قومی در محیط کار و در سطح جامعه، ۶- برابری مزد زنان و مردان در شرایط کار برابر و برابری حقوق کارگران مهاجر با سایر کارگران و رفع تبعیض از آنها.

۷- منع کار کودکان
۸- حق برخورداری از تشکلهای مستقل و سندیکا و برقراری مذاکرات دستجمعی میان کارگران و کارفرمایان.

۹- لغو قراردادهای سفید امضاء.
۱۰- آزادی بیان، تحزب، عقیده، اعتراض، گردهمایی، اعتصاب و راهپیمایی.

۱۱- ایجاد یک صندوق با تعهد دولت برای پرداخت فوری تمام مزدها و مزایای عقب افتاده کارگران.

۱۲- ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان، سیاست های مداخله گرانه، جنگ افروزانه و تجاوزکارانه از جانب هر دولت متجاوز را علیه مردم کشورها محکوم نموده و خواهان برقراری صلح، امنیت، رفاه و پیشرفت برای تمامی مردم ایران، منطقه و جهان هستیم.

۱۳- تأمین نیازهای فوری سیل زدگان از جمله خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان و مراکز آموزشی و تأمین مسکن مناسب و بازسازی رایگان و جبران همه خسارات آنها از جمله خسارات کشاورزان توسط دولت.

۱۴- اعلام تعطیلی رسمی روز کارگر و آزادی برگزاری مراسم بزرگداشت اول ماه می در سطح کشور.

گسترده، مستحکم و رزمنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران جهان!

رسانتر و کوبنده تر باد فریاد حق طلبی کارگران و زحمتکشان علیه نظام سرمایه داری و قدرت های حامی آن!

پر طنین باد پیام آزادی بخش اول ماه می روز جهانی کارگران!

۷ اردیبهشت ۱۳۹۸
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

گروه اتحاد بازنشستگان

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

بیانیه مشترک ۴ تشکل مستقل کارگری به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در بیانیه ای مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر، از تمامی کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، بیکاران، دانشجویان و جوانان خواسته اند که در روز جهانی کارگر نسبت به شرایط غیرانسانی تحمیل شده به طبقه کارگر در ایران اعتراض کنند.

در این بیانیه ضمن اشاره به استعمار کارگران در نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و به تبعیت از مناسبات جهانی، به مبارزات کارگران، معلمان، زنان و دانشجویان اشاره شده است که در اعتراض به شرایط معیشتی از جمله دستمزدهای ناچیز، وضعیت ننگین قراردادهای، خصوصی سازی آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و همچنین بازداشت و پرونده سازی برای فعالین کارگری و صنفی اعتراض و تجمع کرده اند.

این تشکلهای ضمن موظف دانستن دولت برای انجام اقدام فوری برای کمک به مردم مناطق سیل زده، مهم ترین مطالبات خود را

مطرح کرده اند؛ تعیین مزد حداقل به میزان ۷ میلیون تومان در ماه، آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری و صنفی و دانشجویی، برقراری بیمه بیکاری برای تمامی بیکاران، افزایش مستمری بازنشستگان به ۷ میلیون تومان در ماه، لغو هر نوع تبعیض جنسیتی، مذهبی، ملی و قومی، لغو قراردادهای سفید امضاء، به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکل و سندیکا برای کارگران، آزادی بیان و عقیده و راهپیمایی، مخالفت با جنگ و سیاست های جنگ افروزانه و همچنین مداخله گرانه، تأمین فوری نیازهای مردم مناطق سیل زده و اعلام تعطیلی رسمی برای روز جهانی کارگر.

گسترده، مستحکم و رزمنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران جهان!

رسانتر و کوبنده تر باد فریاد حق طلبی کارگران و زحمتکشان علیه نظام سرمایه داری و قدرت های حامی آن!

پر طنین باد پیام آزادی بخش اول ماه می روز جهانی کارگران!

۷ اردیبهشت ۱۳۹۸

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

خلاصه و بازنشر:

کانال مستقل کارگران هفت تپه

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند.

اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پر شور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!